علاج فوری

(برء الساعه)

محمد بن زکریای رازی



ترجمه

میرزا احمد تنکابنی

به تصحیح

دکتر پیمان متین

بسم الله الرحمن الرحیم

برء الساعهٔ

نویسنده:

ابوبکر محمد بن زکریا رازی

ناشر چاپی:

نسخه خطی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

برء الساعه

مشخصات کتاب

شماره بازیابی : ۵-۳۹۷۷

امانت : امانت داده می شود

شماره کتابشناسی ملی : ع ۳۹۷۷/۶

سرشناسه : رازی، محمدبن زکریا، ۲۵۱ - ق ۳۱۳

عنوان و نام پدیدآور : برء الساعه[نسخه خطی]محمدزکریای رازی

وضعیت استنساخ : [قرن ۱۲ق.]

آغاز ، انجام ، انجامه : آغاز نسخه: محمدبن زکریا المتطبب ترجمه برو الساعه. قال محمدبن زکریا الحمدلله کما هو اهله... اجمعین قال ابوبکر ... اما بعد فانی کنت عند الوزیر ابی القاسم بن عبدالله فجری ... و سمیته برو الساعه (برگ ۲۵۴ب) ...

انجام نسخه: و لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم (برگ ۲۵۵ر)

: معرفی کتاب: نسخه دیگر از بروالساعه در فهرست مرعشی ج. ۲ ص. ۲۶۲ شماره ۶۶۷/۴ و سه نسخه در کتابخانه ملی فهرست انوار ج. ۳ ص. ۵۶ و ج. ۱۰ ص. ۲۸۱ و ۵۲۳ معرفی شده است با این فرق که نسخه ما به وزیر ابوالقاسم بن عبدالله پیشکش شده و نسخه مرعشی به محمدبن ابی القاسم

مشخصات ظاهری : برگ: ۲۵۴ب - ۲۵۵ر، سطر متفاوت، اندازه سطور متفاوت، قطع ۲۴X۱۴/۵

یادداشت مشخصات ظاهری : نوع کاغذ: اصفهانی نخودی

خط: نستعلیق

تزئینات جلد: جلد مقوا، رویه تیماج سبز تیره، به تازگی تجلید شده، آستر کاغذ نخودی

تزئینات متن: عنوانها و خط روی عنوان شنگرف است

مهرها و تملک و غیره: در برگ ۲۵۷ - ۲۵۹ بخشی از یک طب فارسی است: فصل ششم در ذکر بعضی نسخ (برگ ۲۵۷ب) ... فصل هشتم در یافتن نسخه ابوالبرکات (برگ ۲۵۸ر)

فرسودگی، ناقص بودن صفحات: تمام دور صفحه ها را موریانه خورده است

توضیحات نسخه : نسخه بررسی شده .

منابع اثر، نمایه ها، چکیده ها : منابع دیده شده: فهرست مرعشی ج. ۲ ص. ۲۶۲ ش. ۶۶۷/۴. فهرست ملی ج. ۳ ص. ۵۶ و ج. ۱ ص.

۲۸۱ و ۵۲۳

صحافی شده با : : بیخ چینی/ارسطو.۸۱۰۹۹۳

موضوع : پزشکی اسلامی

شماره بازیابی : ۱۰۸۵-۴۴۷

[مقدمه از دکتر احمد حکیم باشی خوانساری]

اسلام در طول مدت ۱۳۷۰ تا ۱۳۰۰ سال قبل با عبارات گوناگون و رسائی بیان فرموده اند که برای اطلاع و تصدیق گفته ما باید به آیات قرآن و فرموده های ائمه اطهار علیهم الصلواه و السلام که درباره اکل و شرب و حفظ بدن و خودداری از اسراف و تبذیر و سمومات بیان شده مراجعه شود.

این مقدمه برای آن آوردم که شما تمام همت خود را مصروف دارید تا مریض نشوید و مواظبت کامل از برنامه زندگی خود بنمائید تا کوچکتر خراش و صدمه باعضای لطیف و ظریف و زیبایتان از چشم و گوش و دندان گرفته تا کبد و کلیه و قلب و ریه و امعاء و احشاء و بالاخره بدنتان وارد نیاید و برای این منظور باید با توکل بخدا نکات زیر را در نظر گرفته و بکار بندید

۱- در خوردن و آشامیدن تأمل کنید و هرچه

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵

بدستتان آمد بدهان نبرید

از مصرف بعضی مواد که بدن را آماده مرض می کند خودداری کنید

دخانیات و مشروبات الکلی و غیره را استعمال نکنید ما با باده نوشان کاری نداریم ولی چون در این زمان مصرف توتون بی اندازه زیاد است و اغلب باین سم خطرناک عادت کرده اند می گوئیم کاری را که سیگار و قلیان و چپق با لب و دندان و حلق و مری و شش و قلب .... و ... و ... انسان می کند قدرت هیچ دشمن جانی نمی کند حالا خود دانید و سلامتی و صحت خود و دخانیات

۲- از خوردن غذاهائی که فایده برای تقویت بدن ندارد خودداری

کنید. غذای مانده و میوه فاسد شده و غذائی که با مزاج شما سازگار نیست نخورید فقط بفکر پر کردن معده نباشید غذائی بخورید که نیرو بیاورد

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۶

نه آنکه بیشتر موجب سستی و خستگی شود مثلا- یک تخم مرغ سالم با پنج مثقال کره تازه از یک خوراک آبگوشت یا ۸۰ مثقال گوشت کهنه کباب شده بهتر است تا چه رسد به خرمای ترش شده یا شکنبه و شیردان و شش ۶ روز مانده یا پنیرهای فاسد که سالم آن هم پسندیده نیست و غیره و بعضی خوراک های مردم

۳- از خوردن هر غذائی که شما را کسل و خسته کند خودداری کنید بشرط آنکه سستی و کسالت از غذا باشد نه از کار یا بیکاری یا زیادخوری و علل دیگر.

۴- پس از آنکه در انتخاب غذا نهایت دقت را معمول داشتید باید مواظب باشید که اسراف نکنید و هر قدر معده گنجایش دارد نخورید و چون اغلب مردم به اسراف در خوردن مبتلی می باشند نکات زیر را تذکر می دهیم بلکه از این عمل خطرناک جلوگیری کنند.

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۷

الف- تا خوب گرسنه نشوید دست بغذا نبرید

ب- قبل از سیری دست از غذا بکشید

ج- آن قدر غذا بخورید که بعدا کسالت و خستگی عارض شما نشود

۵- از تداخل در غذا خودداری کنید

۶- غذای بسیار سرد و بسیار گرم نخورید و همچنین غذای سرد و گرم را باهم نخورید

۷- در هفته دوبار غذای رقیق زود هضم میل کنید

۸- با رعایت نکات بالا غذا را آهسته بخورید و خوب بجوید

۹- قبل از خواب مثانه را از ادرار خالی کنید- و نیز دستورات مختلفه

زیر را بمرحله عمل درآورید

۱- در نظیف نگاه داشتن اعضاء خود جدیت کنید

۲- هفته چند بار یا لا اقل دوبار تمام بدن خود را

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۸

شست وشو دهید

۳- پس از صرف غذا و قبل از خواب و بعد از خواب دست و دهان و دندان خود را بشوئید

۴- قبل از خواب با مسواک و مواد طبی خوب مسواک نمائید

۵- از بردن سوزن در داخل دهان و دندان خود- داری کنید و با چوب نرم خلال نمائید

۶- با دندان اشیاء سخت را نشکنید

۷- موهای تمام بدن را بستريد و ناخن خود را کوتاه کنید

۸- موی سر و صورت را کوتاه کرده و پاکیزه نگاه دارید

۹- لباس و مسکن پاکیزه اختیار کنید

۱۰- فصل زمستان در منزل و بخصوص شب خود را گرم نگاهدارید و بطور ناگهان از هوای گرم داخل

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۹

هوای سرد نشوید

۱۱- از خواب معمولی شب (هشت ساعت) ندزدید و شب را زیاد بیدار نمانید

سعی کنید همیشه صبحها بین الطلوعین بیدار باشید و اگر هوا مناسب باشد در زیر آسمان بسر برید

با بکار بردن دستورات بالا یقین بدانید اغلب شما ان شاء اللّه سالم و تندرست خواهید بود اما اگر خدای نکرده بازهم بمرضی مبتلی شدید دستورات زیر را بکار بندید-

۱- اگر حس کردید خسته هستید و میل بغذا ندارید یا سر شما کمی درد می کند یک وعده غذا نخورید و بکار خود مشغول باشید

۲- درصورتی که بهبودی حاصل نشد یک مسهل ساده که با مزاج شما سازگار باشد میل کنید

۳- در صورت سرماخوردگی و گریپ ۲۴ ساعت

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۱۰

در هوای گرم استراحت کنید و حتی المقدور کوشش

کنید خود را عرق بیندازید غذا در این مدت خیلی کم و از شیر و فرنی و آش رقیق برنج با اسفناج یا جعفری و گشنیز وعده آخر هم کمی چلو ساده تجاوز نکنید

در این مدت از غذاهای دیر هضم ثقیل و ترشی و سرخکردنی بپرهیزید که خیلی خطرناک است

۴- تا می توانید از بستری شدن و استعمال داروهای محرك و مخدر خودداری کنید و حتی المقدور از اثر غذا استفاده کنید

۵- پس از رعایت ۲۵ نکته بالا اگر بمرضی دچار شدید بکتاب برء الساعه مراجعه کنید و اگر مرض سخت شد خود را در اختیار طبیب بگذارید و اگر بازهم نتیجه نگرفتید دست توسل بدامان پرعنایت چهارده نور مقدس صلوات اللّه علیهم اجمعین بزنید و در خاتمه این نکته را هم از نظر دور ندارید که

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۱۱

کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ* گفته پروردگار است و امری بدیهی و محسوس امیدوارم با توفیق خدا و توجهات مخصوص اعلیحضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و عمل بدستورات بالا صحت و سلامتی خود را تأمین و نگارنده را بدعای خیر یاد فرمائید. ۱ ر ۴ ر ۱۳۳۳

دکتر احمد حکیم باشی خوانساری

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۱۲

بسم اللّه الرحمن الرحیم

باب اول در معالجه درد سر است

و آن بر سه قسم است یا در پیش روی می باشد یا در اواسط یا در عقب سر پس اگر در پیش سر باشد و بالای ابرو یقینا از زیادتی خون خواهد بود و علامت زیادتی خون سرخی چشم و صورت و امتلای عروق است علاجش این است که فصدرك قیفال از دست راست کنند بقدر پنجاه مثقال یا شصت مثقال خون بگیرند یا پنج شاخ

حجامت کننـد باذن اللّه تعالی درد سـر فورا ساکن می شود و تریاک خوب هم بوئیـدن و قلیلی هم بر بینی و پیشانی و صدغین مالیدن بسـیار نافع است یا اینکه ده دانه عناب دو مثقال تخم گشنیز شیره کشیده میل نمایند فورا درد ساکت می شود و اگر در وسط سر باشد

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۱۳

و علامات صفرا هم باشد مثل زردی چشم و صورت و یبس دو لوله بینی لا محاله از حرارت و صفرا خواهد بود

علاجش این است که پارچه از کتان با روغن گل سـرخ آلوده کرده بموضع درد بیاندازنـد فورا درد را ساکت می کند ان شاء اللّه تعـالی یـا اینکه کف پاهـا را بروغن بنفشه بادام و نمک طلا نماینـد دفعه درد ساکن می شود و بوئیـدن گل نیلوفر نیز مفید است و بهتر آن است که غذای روز مغز خیار با سـرکه کهنه انگوری باشد و غذای شب آش آب انار یا رب سیب یا آب غوره یا اینکه دو مثقال تخم گشـنیز را در هشـتاد مثقال آب غوره شـیره کشـیده بنوشند ان شاء اللّه تعالی همان ساعت درد را ساکت می کند و اکثر از اطباء متآخرین بر این معالجه اتفاق دارند و حقیر نیز مکرر این قسم معالجه

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۱۴

نموده و نفع کلی بخشـیده و اگر در عقب سـر باشـد لاـ محـاله بیشتر از زیـادتی بلغم خواهـد بود و علامت زیادتی بلغم بلادت حواس و ثقل و سنگینی سر و سفیدی پوست است.

علاـجش قی کردن است با آب ترب و سـکنجبین و آب شبیت که نیم گرم کرده بنوشـند تا قی بسـیار بیایـد که بزودی درد را ساکن کند

ان شاء اللّه یا اینکه مربای هلیله کابلی یا مربای آمله بخورند و غرغره بایارج فیقرا بکنند

صفه ایارج فیقرا این است بگیرند سنبل الطیب، دارچینی، عود بلسان، حب بلسان، سلیخه مصطکی، اسارون زعفران از هریک یک مثقال و صبر سقوطری دو وزن همه ادویه و همه را نرم کوبیده دو مثقال آن را با آب گرم غرغره نمایند در همان ساعت درد را ساکن می کند بعون اللّه تعالی

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۱۵

و یا اینکه نمک و سرکه بکف پا طلا نمایند و پا ها را در آب بسیار گرم گذاشته فورا درد را ساکن می کند باذن اللّه

باب دوم در علاج درد شقیقه است

و این در نیم از سر است

علاجش این است که اگر غلبه خون ظاهر باشد رک پیشانی یا رک بینی یا قیفال زدن نیکو بود و رادعهای محلله طلا کردن از قبیل آب گشنیز و آب تاجریزی و سرکه و صندل سرخ و روغن گل سرخ مفید افتد و اگر غلبه با سایر اخلاط باشد تنقیه کردن با یارج فیقرا که صفتش مذکور شد بسیار مفید بود و همچنین بخور چوب اشنان و بخور استخوان سک و آب سرد بر سر ریختن و آب جو با دانگی از اشق و دانگی از جاوشیر حل نموده به

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۱۶

بینی چکانند فی الفور درد را ساکن می کند و اگر مزمن شود سل باید سوزانیدن تا علت انتشار پدید نیاید خاصه که چشم ضعیف باشد بزودی تدبیر سل باید کردن

باب سوم در علاج صرع است

علامت صرع سنگینی سر و بسیار آمدن آب دهن و کف کردن دهان است در حین صرع و سفیدی رنک و کدورت حواس خصوصا اگر ماده در دماغ باشد و اغلب این است که در زیادتی نور قمر شدت می کند

علاجش این است بگیرند عاقر قرحا بسفایج اسطو خودوس افتیمون همه را مساوی کوفته و پخته با دو وزن مجموع مویز منقای از هسته معجون سازند و هفت مثقال قبل از نوبه صرع بخورد

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۱۷

باذن اللّه تعالی در یک هفته رفع ناخوشی خواهد شد و باید تقلیل در غذا نمایند و غذا منحصر بنخوداب با گوشت کبک و آهو و تیهو و کبوتر است با ادویه مثل دارچینی و زیره و مغز هل و زنجبیل و کباب دراج نیز در غذا جایز

است

باب چهارم در زکام و نزله است

اشاره

و علامتش ظاهر است و علاجش هرچند در ساعت معالجه نمودن آن صعوبتی ندارد لیکن بهتر آن است که آب بسیار گرم بر سر بریزنـد به حـدی که احساس حرارت در دماغ کرده شود که فی الفور رفع زکام می شود یا آنکه پارچه از کتان را بـدفعات بآتش گرم کرده بر سـر بیندازند تا آنکه احساس حرارت و گرمی در دماغ بشود در همان وقت رفع می شود باذن اللّه تعالی یا آنکه کندر و

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۱۸

میعه یا بسه و قسط و سـندروس را مساوی هم کوبیـده و مخلوط نماینـد و بقدر فندقی از آن بخور نمایند منع از سـیلان آب از دماغ خواهـد کرد و لیکن باید شـخص مریض نهایت احتیاط بکند که ماده نزول بسـینه ننماید باین قسم که شـبها کم بخوابد و روز اصـلا نخوابـد و اگر شب بخوابـد باید بقفا نخوابد و نشسـته تکیه کند و بخوابد و در وقت خواب غرغره به آب خشـخاش نماید و بعد بخوابد و در غذا نهایت تقلیل نماید و روی غذا البته نخوابد و هفت مثقال زنجبیل و سیاه دانه را نیمکوب کرده در پـارچه ببنـدد و ببویـد تـا آنچه ماده در دماغ است بمنخر دفع شود و بسـینه نزول ننمایـد و این حب نیز در منع نزول مواد بسـینه بسـیار مفیـد است صـفت آن بگیرنـد نشاسـته و کتیرا و رب السوس و تخم خیـار و تخم کـدو و خشـخاش و مغز بادام مقشـر و باقلای

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۱۹

مقشر مساوی هم بکوبند و مثل نصف مجموع نبات داخل کرده حبها بقدر نخود ساخته و شب و روز حبی از آن

در دهن نگاه دارنـد خصوصا در وقت خواب و همین محمـد زکریا در کتاب من لا یحضـره الطبیب می گویـد که نگاه داشـتن سپسـتان در دهان و همچنین کتیرا در منع نزول مواد بسـینه بغایت مفیـد است و در کتب متقـدمین از قبیل ذخیره ثابت بن قره و کتاب شـمعون یهودی و ابن ماسویّه نیز مـذکور است و بایـد از چیزهای شور و ترش و عفص اجتناب کنند و بهتر آنست که تا یقین بهم نرسانـد که ماده بسـینه نخواهـد ریخت قطع مواد رطوبات از منخرین ننماید تا اینکه یقین کند که آخر زکام است در آن وقت این معالجه بسیار مفیـد است همچنان که خود محمـد زکریا در کتاب فاخر و در کتاب من لا یحضـر می گویـد تا از برای مریض ممکن است آب آمدن از

منخرسـد آن نباید کرد که مبادا بسـینه بریزد و هرگاه ماده زکام از منخرین سد شود شونیز ببوید و شـیخ ابو علی نیز تصـریح به این مطلب کرده و اگر ماده بسینه ریخت علاجش این است که ماء الشعیر خشخاشی با شربت بنفشه بنوشند

صفه ماء الشعیر خشخاشی این است

بگیرنـد جو پوست کنـده نشکسـته را هفت مثقـال کوکنار سه دانه با صـد و شـصت مثقال آب یا عرق گاو زبان با آتش ملایم بجوشانند تا هشتاد مثقال آن بماند با پنج مثقال شربت بنفشه بنوشند

صفت شربت بنفشه

بگیرند ده مثقال گل بنفشه را جوشانده صاف نمایند آنگاه با بیست مثقال شـکر سفید بقوام آورند و یا با شربت زوفای خشک بنوشند

صفت شربت زوفا

هفت مثقال زوفای خشک ده دانه سپسـتان ده دانه انجیر خشک دو مثقال اصل السوس جوشانـده و صاف نمایند آنگاه با چهل مثقال شـکر سـفید بقوام آورند و غذای روز شوربای کدو و اسـفناج با گوشت بره یا خروس بچه و اگر تب نباشد نان با مربای سیب و غذای شب تر طعام با زرده تخم نیم برشت و هر گاه مانع از فصد نمودن نداشـته باشد بقدر قوه و ضـعف نزله و مریض اخراج خون باید نمود که بسیار مفید است و حقنه در این مرض فایده ندارد بلکه خطر عظیم دارد که خلط را بحجب سینه می کشد و رفع نمی توان کرد خاصه در کسی که حجابات سینه او ضعیف هم باشد

باب پنجم در درد چشم است

اشاره

بهترین تدابیر در محافظت چشم این است که

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۲۲

حفظ کند چشم را از هوای بسیار گرم و بسیار سرد و از گریه بسیار و نظر کردن بخطوط دقیقه و اشیاء مضیئه براق و بقفا خوابیدن و سکر متواتر و باد شدید و غبار غلیظ و دود شدید و مداومت بخوردن سیر و پیاز مگر اشخاصی که عادت دارند بخصوص اهل دار المرز و اهل سن شیخوخیت و علت این در کتاب شرح جوامع بیان شده و همچنین مضر است فصد کردن و حجامت کردن و بیخوابی و بحمام رفتن و جماع کردن بسیار

و نفع می کند چشم را

تلیین طبیعت و گشودن چشم در آب صاف و سرمه سنگ اصفهانی و توتیای هندی که تربیت کرده باشند با آب رازیانه یا آب مرزنجوش و برود رمان

صفت برود رمان

بگیرند آب انارین را با پیه آن یکمن با صد مثقال

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۲۳

عسل صاف کرده و بآتش ملایم بجوشانند و کف او را گرفته تا اینکه بقوام آید و غلیظ شود پس در بعضی اوقات با میل بچشم بکشند بسیار تقویت چشم می کند و همچنین آب بادیان تازه را بگیرند و شکر سفید داخل بکنند در قوت چشم بی عدیل است مثلا بیست مثقال آب بادیان را با پنج مثقال شکر سفید داخل کرده صاف نمایند و گاهی بچشم بچکانند و اگر رمدی بواسطه حرکت در آفتاب یا مجاورت با آتش عارض شود علاج این است که تریاك بمالند و ببویند و پوست هلیله زرد را نرم سائیده از تافته بیرون کرده بچشم بکشند دفعه درد را ساکن می کند باذن اللّه تعالی

محرر گوید که این آب بادیان برای تقویت چشم از مجربات و نهایت مفید است حتی آنکه حیوانات فایده آن را بر خود داده اند چنانچه افعی تقویت چشم خود بدان نماید

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۲۴

باب ششم در علاج درد دندان

اشاره

علاج آن است که اگر درد بمشارکت عضو دیگر نباشد بگیرند مویزج را و با پنبه کهنه در هاون سنگی کوفته و بر دندان دردناك نهند فورا ساکن می شود یا بگیرند قیراطی از سکر العشر و بر پنبه پیچیده بر دندان نهند درد را ساکن می کند و همچنین غالیه و قطر آن نیز چنین است و داغ کردن دندان بآتش فورا درد را ساکن می کند و هیچ تدبیر در ساکن کردن درد دندان بهتر از آن نیست که آب سرد کرده ببرف و یخ در دهان گیرند بدفعات و چون گرم شود بریزند و باز تازه

کنند و گاه باشد که اول درد زیاده شود لیکن ساکن خواهد شد باذن اللّه تعالی

صفت معجونی که درد دندان را بنشاند

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۲۵

بگیرند تریاک و میعه یابسه و پازهر از هریک دو مثقال و فلفل و حلتیث شامی از هریک یک مثقال باهم بکوبند و بدوشاب بسرشند و بر دندان دردناک نهند

باب هفتم در تدبیر کندن دندان است بدون کلبتین باسانی

عاقر قرحا را کوفته و بیخته و با سرکه بسرشند و یک ماه در آفتاب نهند و هر روز آن ظرف را حرکت دهند و اگر سرکه کم شود زیاده کنند تا آنکه بغلظت عسل شود پس یک قطره از وی بر آن دندان که می خواهند بکنند بنهند و ساعتی صبر کنند پس بیازمایند و برکنند اگر بآسانی برآید فبها و اگر نه روز دیگر برنهند تا بآسانی کنده شود یا بگیرند آب ریشه توت را و در جام کرده در آفتاب نهند تا بقوام عسل شود و در روزی سه بار

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۲۶

بن دندان را بآن طلا کنند بآسانی کنده شود ان شاء اللّه تعالی و لیکن احتیاط باید کرد که بدندانهای دیگر نرسد به این طریق که دندانهای دیگر را بخمیر یا موم پوشیده دارند و اللّه اعلم

باب هشتم در بدبوئی دهان است

اگر سبب بوی دهان معده باشد علاجش این است بگیرند مویز منقای از هسته و برگ مورد تازه مساوی هم کوفته باهم سرشته مقدار فندقی در هر صبح بخورند بوی دهان را ساکن می کند ان شاء اللّه تعالی یا بگیرند مویز و ابهل را مساوی یکدیگر کوفته و سرشته بمقدار فندقی بخورند بسیار مفید است باذن اللّه تعالی

باب نهم در خناق و ذبحه است

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۲۷

اگر سبب زیادتی خون باشد علامتش آن است که چشم و روی و زبان سرخ باشد و اگر سبب زیادتی صفرا باشد علامتش آنکه دهان تلخ و خشک شود و درد و سوزش و حرارت و تشنگی شدید بهم رسد و اگر سبب زیادتی بلغم باشد طعم دهان شور باشد و رنگ زبان سفید باشد و حرارت و تشنگی اندک باشد و اگر سبب زیادتی سودا باشد طعم دهان ترش باشد یا عفص و اندک اندک بهم رسد علاج آن است که هرگاه قوه قوی است و از فصد مانعی نیست اول فصد کند و چندان خون بگیرد که در غش افتد خصوصا در خناق دموی که ان شاء اللّه زایل شود یا اینکه بگیرند سرگین سگ را با رب توت بیامیزند و بدان غرغره کنند فی الفور درد را ساکن می کند و اگر سرگین آدمی و سرگین خطاف و سرگین سگ از بیرون حلق طلا

کنند بسیار مفید

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۲۸

خواهد بود

باب دهم در چسپیدن زلو است بحلق

علاجش آن باشد که بسرکه و نمک غرغره کنند یا آنکه بگیرند مگسی که در باقلا است و بکوبند و در سرکه حل کنند و غرغره نمایند در حال ساقط گردد باذن اللّه تعالی و تدبیر دیگر آن است که سیر با سرکه پرورده یا سیر تنها بخورند و در حمام روند و در آب بسیار بنشینند تا عطش غلبه کند و هر ساعت آب سرد کرده با برف و یخ در دهان گیرند یا بر لب نهند بطلب آن آب زالو ببالا برآید و اگر سیر بخورند و در آفتاب نشینند یا بدوند و دهان

باز کنند و کیسه آب سرد بر لب نهند تا از گرما بگریزد بیرون آید بحول اللّه تعالی اسهل معالجات این است که شخص طبیب متدینی

را شنیدم می فرموده کهنه را بلجن و لای ته جوی یا حوض آلوده کنند و بر لب دهان گذارند فی الفور ببوی لجن و لای ببالا برآید و بدان کهنه آویزد و می فرمود خودم تجربه کرده ام و معتدل است

باب یازدهم در امراض گوش است

اشاره

یک قسم از آن دوی و طنین است که دو آواز دروغ است که در گوش بهم می رسد علاجش آن است که بگیرند افتیمون شامی بسیار خوب و در آب بخیسانند آنگاه صاف کنند و قطره از او در گوش چکانند دفعه ساکن می کند باذن اللّه تعالی و همچنین روغن افسنتین و روغن سوسن نیز ساکن می کند باذن اللّه تعالی

صفت گرفتن روغن افسنتین

ده مثقال افسنتین را با آب جوشانیده و صاف نموده

با ده مثقال روغن زیتون جوشانیده تا آب آن تمام شود و روغن بماند و بهمین طریق است گرفتن روغن سوسن

باب دوازدهم در رعاف یعنی خون آمدن از بینی است

و آن بر سه گونه است یکی آنکه قطره چند آید و باز ایستد دوم آنکه قطره قطره آید و دیر بایستد سیوم آنکه بسیار آید علاجش آنکه اگر سبب زیادتی خون باشد باز نباید داشت تا آنچه طبیعت دفع می کند برود پس اگر از حد بگذرد و قوت ساقط شود تدبیر بازداشتن باید کرد و رگ زدن و خون اندک اندک از رگ بیرون کردن بهترین علاج است و داروهائیکه خون آمدن از بینی را باز دارد چکانیدن آب ریحان و آب پونه و آب شکوفه خرما و آب سرگین تازه ماده الاغ است و

چکانیدن آب گشنیز نیز با کافور سخت نافع است و مکرر بتجربه رسیده است و بیم ضرری هم نیست و همچنین آب سرد بر سر ریختن وارد جو و گل ارمنی و اقاقیا و گلنار فارسی و صندل سرخ و اندکی کافور و قلیلی تریاک همه را بسرکه بسرشتد و بر سر و پیشانی طلا کنند و اگر کج گشته بسرکه حل کرده بر سر و پیشانی طلا کنند نیکوست و اگر حاجت بداروی داغ کننده شود بگیرند شب یمانی را و نرم سائیده و اندکی به بینی دمند با نهایت احتیاط فورا باز دارد و حجامت یا بس بغایت

مفید است پس اگر از سوراخ راست بینی خون آید حجامت را از زیر پستان راست باید نهاد و اگر از سوراخ چپ

آید بزیر پستان چپ باید نهاد و اگر از هر دو سوراخ بینی آید بر هر دو جانب باید نهادن و بستن بازوها و رانها و در آب سرد نشستن

و آب سرد در دهان گرفتن بسیار مفید است و اللّه اعلم

باب سیزدهم در قولج لیلا ووسی

علامتش سردی دست و پا است و شدت درد و خوردن غذاهای غلیظ قبل از حدوث مرض و تخمه شدن قبل از آن و نگذشتن غذا و یبس طبیعت و عدم اشتهاء است علاجش بهترین تدابیر در اول حقنه و شیاف کردن و منع از غذاء است صفت حقنه بگیرند آب پاچه دویست مثقال و شکر سرخ و گز انگبین علفی و ترنجبین از هریک دوازده مثقال و ریوندچینی و نمک طعام و بوره ارمنی از هریک نیم مثقال این ادویه را با آب پاچه بیامیزند و نیم گرم در سه دفعه حقنه کنند یا بگیرند شیر گاو نیم تبریز گل سرخ و اکلیل الملک از هریک دو مثقال نرم کوفته با شیر ممزوج نموده و گز انگبین علفی و ترنجبین از هر

یک دوازده مثقال در شیر حل نموده نیم گرم حقنه کنند یا بگیرند آب برک چقندر صد و شصت مثقال و شکر سرخ یا نبات بیست مثقال با روغن بید انجیر یا کنجد دوازده مثقال و نیم گرم کرده حقنه کنند

صفته شیا بگیرند شحم حنظل سه مثقال با شکر سرخ بسرشند و شیاف کنند و لیکن این شیاف باعث حرارت و پیچش می شود و علاجش این است بگیرند تخم کشنیز و زیره و کردیا و صعتر و کلپر و ناردان خشک از

هریک سه مثقال با نود مثقال آب بجوشانـد تا بنصف رسـد پس صاف نموده و هفت مثقال ابکامه داخل کننـد و مقـدار هفت مثقال از آن را بخورند دفعه درد ساکن می شود باذن اللّه و باید دانست که تا بحقنه و شـیاف تفتیح نکند دواهای مسهل نشاید داد و علت آن را در شرح جوامع بیان کرده ایم و بهترین مسهلها این معجون است فلفل دار فلفل زنجبیل زیره سداب

خولنجان و خرفه از هریک نه مثقال و سـقمونیا نه مثقال این ادویه را نرم کوبیـده و با عسل مصـفا چهل مثقال بسرشـند چنانکه رسم است و قدر شربتش یک مثقال تا یک مثقال و نیم است فورا اسهال می کند

باب چهاردهم در علاج زحیر است

و آن یـا صـادق است و یـا کاذب علاجش آن است که یا یک روز یا دو روز هیـچ طعام نخورنـد تا امعاء پاک شود از خلط و چنـد روز صـبح لعـاب ریشه خطمی و لعـاب اسـفرزه را با عرق بیـد گرفته و با یک مثقال بارهنک و یک مثقال تخم ریحان با روغن بادام چرب نموده داخل لعابها کرده بخورنـد و حقنه نیز بسـیار مفید است بخصوص در زحیر کذب صـفت حقنه بگیرند لعاب اسفرزه و لعاب ریشه خطمی و ترنجبین پنج مثقال و روغن بادام سه مثقال همه را نیم گرم کرده و در دو

دفعه حقنه نماینـد و غـذای روز آش بادام و شب چلو با زرده تخم نیم برشت و اگر زحیر در طفل شـیرخواره بهم رسـد بهترین علاج اولا پرهیز کردن مادر است بگیرند تخم ریحان و زیره کرمانی مساوی هم کوفته و

بیخته با روغن گاو کهنه خمیر کرده با شیر مادر بنوشد در همان ساعت ساکن می شود باذن اللّه تعالی

باب پانزدهم در علاج اسهال معدی است که آن را بعربی خلفه گویند

علامتش آروغ ترش و قلت عطش و دفع شدن طعام بدون هضم و گاهی عطش کاذب نیز بهم رسد علاجش این است بگیرند عفص و کندر از هریک پنج مثقال نانخواه و تخم ترب از هریک دو مثقال و نیم تریاک یک مثقال کوفته با عسل مصفا بسرشند و حب سازند قدر شربت آن یک مثقال است بنوشند در ساعت علاج اسهال می کند

ان شاء اللّه تعالی یا آنکه بگیرند نانخواه و کندر و گلنار را مساوی و نرم کوفته و مویز سیاه را نیز کوفته دواها بدان بسرشند در صبح و شام مقدار سه مثقال بخورند و این ضماد نیز بسیار نافع است بگیرند کافور و صندل سرخ و با آب ریحان حل کنند یا در شراب و خرفه بدان تر کنند و بر معده نهند و بهترین تدابیر آن است که بحمام بسیار گرم بروند و بدن را مالش بسیار دهند و بر عطش صبر کنند و آب مطلقا نخورند و غذا شبانه روزی یکدفعه کباب کبک و تیهو و گنجشک و مانند آن با دارچینی و فلفل و زیره هر یک که باشد تناول کنند نافع است

باب شانزدهم در خروج مقعده است

بگیرند سم گوسفند و شاخ سوخته گوزن و جفت بلوط و گلنار و شب یمانی و عفص و گل سرخ و

پوست انار و مورد سبز اجزا را مساوی هم کوفته و با آب بپزند و صاف نمایند و در آن آب نشینند و سفل آن را نرم کوبیده با روغن گل سرخ بمالند تا مثل مرهم شود بر موضوع معتاد ضماد کنند و اگر شقاق در

مقعده باشد بهتر آن است که بروغن تخم مرغ یا روغن مغز هسته زردالو یا روغن مغز شفتالو چرب کنند و اگر آماس و حرارت و سوزش نیز باشد بگیرند سفیده تخم مرغ را با روغن گل سرخ در هاون سربی بسایند تا سیاه شود و محل معتاد را طلا نمایند بسیار مفید است

باب هفدهم در علاج بواسیر است

و آن بر دو قسم است یکی دانه ایست که در اندرون یا بیرون مقعده پدید می آید دوم بادی است که در تهی گاه و حوالی گرده و کمر و زهار و

مقعده می گردد که آن را باد بواسیر گویند اما آنکه دانه بود بر دو گونه باشد یکی آنکه هیچ خونی و رطوبتی از وی نیاید و درد کند و دیگری آنکه خون و رطوبتی از وی آید و کم درد کند و بسیار باشد که هیچ درد نکند و این دو قسم بر هفت شکل باشد یکی همچون فلس ماهی دوم نخلی یعنی همچون درخت خرما سیوم تینی یعنی همچون دانه انجیر چهارم عنبی یعنی همچون دانه انگور پنجم عدسی ششم تولولی هفتم توتی مثل دانه توت و علامتهای هر یک ظاهر است علاجش ریاضت بسیار و مالش دادن بدن و حمام رفتن و سواری بسیار کردن است و اگر خون آید و فسادی داشته باشد رگ با سلیق زنند و بدن را بمطبوخ هلیله از خلط فاسد پاک کنند صفت مطبوخ هلیله بگیرند تخم کاسنی و گل بنفشه و گل سرخ از هریک دو مثقال و پوست هلیله زرد و هلیله

سیاه و پوست بلیله از هریک سه مثقال سناء مکی دو

مثقال تربد مجوف نیم مثقال ترنجبین دوازده مثقال آلو بخارا دوازده دانه تمر هندی دوازده مثقال همه را خیسانیده و جوشانیده صاف نموده بنوشند و اگر درد شدت داشته باشد بگیرند دانکی از لوف شامی و آن را بفارسی فیل گوش گویند برک بابا آدم نیز گویند و بخور نمایند فی الفور درد را ساکن می کند یا آنکه بگیرند دانکی از مقل ازرق و دانکی از لوف و حب نماید و آن حب را بخور کنند دفعه درد ساکن می شود باذن اللّه تعالی و اگر احتیاج افتد بگشودن خون بواسیر باید شخص در آب گرم نشیند و روغن مغز هسته زردالوی تلخ و روغن مغز شفتالو و روغن کوهان شتر بر محل معتاد بمالند تا بواسیر نرم شود و تفتیح شود یا بگیرند آب پیاز را و پنبه را بدان آلوده کرده بردارند و اگر بجای آب پیاز زهره

گاو باشد و یا عصاره نخود مریم بهتر است و زودتر بگشاید و این شیاف نیز در تفتیح خون بواسیر بی عدیل است بگیرند شحم حنظل دو مثقال و نیم و مغز بادام تلخ سه مثقال نرم کوبیده شیاف کنند هر ساعت یک شیاف تا پنج ساعت پنج شیاف کنند دفعه تفتیح کند و مادامیکه خون سیاه باشد و رنگ بشره زرد نشود و پاها سست نگردد حبس نباید کردن و بسا علتها که در ضمن آن متصور است از قبیل خفقان و سنگینی بدن و مالیخولیا و غیر آن و اگر خواسته باشند حبس کنند این شیاف بسیار نافع است صفت آن بگیرند مغز چشم و گنجیده و خون سیاوشان و کهربای

شمعی مساوی هم با روغن کوهان شتر بسرشند و شیاف سازند و این قرص نیز بسیار نافع است صفت آن بگیرند بلوط و مقل و کهربا شمعی و صمغ عربی از هریک یک مثقال کتیرا و نشاسته

و گل مختوم از هریک نیم مثقال با آب بارهنگ قرصها کنند شربتی دو مثقال یا دوازده مثقال شربت زرشک میل کنند.

باب هجدهم در علاج نواصیر است

و آن قرحه ایست در مقعده که دایم ریم و چرک از او دفع می شود و گاه باشد که ریح و براز هم از وی دفع شود علاجش آن است که بگیرند توتیای سبز را و بپاشند یا آنکه بگیرند زاج سفید و زنکلار مساوی هم نرم کوفته بپاشند دفعه قطع چرک می کند و اگر از اینها باصلاح نیاید قطع باید کرد و طریقه قطع در کتاب شرح جوامع بیان شده و اللّٰه اعلم

باب نوزدهم در علاج عرق النساء و وجع و رک است

سبب این درد ماده رطوبی است که در پیوند ران

بهم رسد و آنچه در بیرون ران بود و اندکی از ران فرود آید آن را وجع و رک گویند و آنچه میل کند بجانب اندرون و فرود آید نزدیک باینکه بپاشنه و انگشتان پا رسد آن را عرق النساء گویند و اغلب این ماده از رطوبت بلغمی بود علاجش آن است که اول ماده آن را بمسهلات قویه دفع کنند و بقیه آن را بمحللات قویه تحلیل برند که تا ماده را از عمق عضو بکشد آنگاه عضو را تقویت نمایند تا دیگر فضله را قبول نکند و اگر ماده آن رطوبت دموی باشد فصد باسلیق از جانب محاذی باید کرد و قطع غذا نمودن یا قلیل غذای لطیف خوردن و اگر درد از جانب وحشی ران و ساق فرود آمده باشد فصد عرق النساء باید کرد و اگر از جانب انسی فرود آمده باشد فصد صافن باید کرد صفت حبی که اسهال آورد و اسهالش پنج دفعه یا شش دفعه بیشتر نباشد بگیرند صبر سقوطری

و پوست هلیله زرد و سورنجان از

هریـک یـک مثقـال نرم کوفته با گلاب حب سازنـد این جمله یک شـربت بود در همان روز درد را ساکن می کنـد بعون اللّه تعالی صـفت حب دیگر بگیرند پوست هلیله زرد و تربد از هریک سه مثقال و مقل ازرق یک مثقال و گشـنیز نیم مثقال و تخم حنظل و سـقمونیا از هریک یک مثقال و کتیرا نیم مثقال قدر شـربتی دو مثقال تا سه مثقال است و اگر بنیه ضعیف باشد اسهال بجوارش سـفر جلی بایـد کرد صـفت از این است بگیرند به شـیرین و پاک کرده از تخم یکمن تبریز و در یکمن دوشاب ترش شـده بجوشاننـد تا خوب پخته شود و جرم آن را بگیرند و با نود مثقال عسل صاف بقوام آورند و این ادویه را نرم کوفته داخل نماینـد زنجبیـل دار فلفل دارچینی از هر یک دو مثقال و هل و قاقله کبار و زعفران از هریک سه مثقال و مصـطکی پنـج مثقال سقمونیا و تربد بروغن

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۴۴

بادام چرب کرده از هریک هفت مثقال و قدر شـربت آن پنج مثقال است صـفت ضـماد محلل حضوض مکی صبر و صـندل و زعفران از هریـک دو مثقـال گـل ارمنی یـک مثقـال کلم سوخته چهـار مثقال همه را با آب تاجریزی و آب کاسـنی بساینـد و ضماد نمایند صـفت ضماد دیگر بگیرند برک کلم را در آب بپزند و بکوبند و زرده تخم مرغ و قلیلی درد سرکه و اندکی آرد جو و دو مثقال روغن گل سرخ باهم بیامیزند و بسرشند و ضماد کنند

باب بیستم در علاج جرب است

اشاره

و آن بر دو نوع است یکی جرب رطب و دیگری یابس و ظاهرترین

علامتش آنست که اول بر میان انگشت پدید آید علاجش آن است که استفراغ صفراء محرق یا بلغم مالح مکرر باید کردن بنقیع صبر و حب النیل

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۴۵

که بسیار نافع است و بتجربه رسیده است صفت تقیع صبر بگیرند صبر یک مثقال با بیست مثقال آب کاسنی و بیست مثقال آب شاهتره و یک شبانه روز خیسانیده و صبح بخورند بدین طریق که سه روز پیوسته بخورند و سه روز بیاسایند و نخورند و باز سه روز بخورند و سه روز بیاسایند بهمین منوال تا نه مثقال از صبر خورده شود بالمره جرب برطرف خواهد شد و مطبوخ هلیله که پیش ذکر شد با آب شاه تره و آب کاسنی بسیار مفید است و در روزهای غیر مسهل منضج خفیفی از قبیل تاجریزی و پر سیاوشان و خارخسک و ریشه کاسنی و تخم کاسنی از هریک دو مثقال با آب کاسنی و آب شاهتره از هریک بیست مثقال بخورند و پس از تنقیه اصلاح مزاج کردن برفق با آب کاسنی و شاهتره با سکنجبین است و بعد از آن تدبیر دواهای مالیدنی باید کرد تا ماده

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۴۶

خشک شود و قبل از تنقیه جایز نیست خشک کردن

صفت طلائی که فورا جربرا خشک کند و درد و خارش و سوزش را ساکن کند خاصه جرب رطب را

بگیرند صمغ عربی و هلیله کابلی مساوی هم نرم کوفته از تافته بیرون کرده در آب کافور حل کرده ببدن بمالند و بعد از خشک شدن دوا روغن زیت و قطره از عسل سکر العشر بر روی دوا بمالند صفت طلای دیگر بگیرند ماميران اقلیمیافضی و قنبیل و مردار سنک و زردچوبه مساوی هم نرم کوفته با روغن گل سرخ یا روغن

زیت مخلوط کرده طلاـ کنند و غذای روز گاهی سکنجبین با مغز خیار و انارین یا آش سرکه شیره است و شب تر طعام بخورند و از غذاهای شور و چرب و شیرین اجتناب نمایند و ملازمت حمام بسیار مفید است اما خارشی که بی جرب باشد آب کرفس و سرکه و گلاب و روغن گل سرخ طلا کردن

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۴۷

و بعد از ساعتی بحمام رفتن بسیار مفید است

باب بیست و یکم در خارش دست و پا و سایر اعضاء است

اگر خارش در دست و پا بهم رسد علاجش آن است که بگیرند آب بسیار گرم را و کفی از نمک طعام در او ریزند و دست و پا را در میان آن تا یک ساعت بگذارند دفعه خارش را ساکن می کند باذن اللّه تعالی یا بگیرند آب برک چقندر را گرم کنند و دست و پا را در وی نهند و بعد از ساعتی بیرون آورند و با روغن بادام یا کره گاو طلا کنند و اگر در چشم بهم رسد سفیده تخم مرغ را با نشاسته و گلاب بزنند و در چشم ضماد نمایند و اگر خارش در مقعده و فرج بهم رسد بگیرند شب یمانی سوخته و قطر آن را مساوی هم به پنبه آلوده کرده بخود بردارند یا آب انار ترش و شیرین را مخلوط کرده در آفتاب

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۴۸

نهند تا اندکی غلیظ شود و به پنبه آلوده کرده بخود بردارند نافع است

باب بیست و دویم در علاج سوختگی آتش است

باید دانست که تا ممکن است نباید گذاشت زخم شود بطلا کردن دواهای بارد و یابس که لادغ و گزنده نباشد مثل آجر آب ندیده سفید و سفال آب ندیده سفید و صندل و فوفل همه را با آب گشنیز سبز سائیده طلا نمایند یا آنکه گل ارمنی یا گل سرشوی با آب تاجریزی و روغن بادام طلا نمایند یا آنکه حنا و گل ارمنی با آب سماق یا با سرکه سرشته طلا نمایند و با روغن کنجد یا با روغن گل سرخ طلا کردن نیز مفید است و اگر متقرح و زخم شود بمرهم آهک علاج باید کرد اگر وجع و درد شدید نباشد صفت

آن بگیرند آهک آب نرسیده سه

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۴۹

نوبت یا هفت نوبت با آب بشویند و خشک کنند و با روغن زیتون یا روغن کنجد یا روغن گل سرخ و قلیلی سفیده تخم مرغ و اندکی سفیداب قلع بسرشند و مرهم سازند و طلا کنند و اگر وجع و درد شدید باشد بگیرند مردار سنک و آهک شسته و گل سرخ و حنا مساوی هم و مجموع را نرم سائیده و زخم را با روغن گل سرخ چرب نموده و این دواها را بپاشند دفعه درد را ساکن می کند و کمتر از سه روز زخم ملتئم شود باذن اله و گاه باشد که بسبب نوره زخمی بهم رسد

علاجش آن است بگیرند گل سرشوی و آرد جو با روغن بادام یا روغن کنجد بسرشند و طلا کنند بسیار مفید است و با آب سرد شستن نیز مفید است و اله اعلم

باب بیست و سوم در علاج کسی است که او را بچوب یا غیر آن زده باشند یا اینکه از جائی افتاده باشد

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵۰

بهترین چیزی که درد و ورم زخم را از عفونت بازدارد پوست گوسفند است در همان ساعت که از گوسفند باز کنند و گرم و تر باشد بموضع الم بپوشانند و بگذارند تا بر او خشک شود چون بردارند درد و ورم زایل شده باشد خاصه اگر اندک نمک یا خاکستر چوب گز بر آن محل بپاشند و پس از آن پوست را بپوشند و اگر بگیرند اقاقیا و صبر و ماش و مغاث و گل ارمنی مساوی و مجموع را نرم سائیده با آب برک مورد بسرشند و بر موضع کوفته شده طلا نمایند فی الفور درد ساکن گردد و کبودی عضو رفع شود بعون اله تعالی

باب بیست و چهارم در خستگی و تعبی که از ریاضت و و سواری و پیاده روی بهم رسد

اولا بباید دانست که بسیار باشد که بواسطه

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵۱

سواری و سایر ریاضات خستگی شدیدی بهم رسد خاصه در وقتی که فضولات در بدن بسیار باشد در این هنگام محتاج بعلاج شود و علاجش این است که اول ترک سواری و ریاضت باید کردن و آسایش و خواب بر بستر نرم جستن و آنگاه تحلیل فضلات که در حوالی جلد و عضلات محتبس گشته باستحمام و دلک متواتر و اغتسال بگرمابه های معادن و تدهین بادهان محلله از قبیل روغن بابونه و روغن شبیت و روغن بنفشه و و غیره کردن و همچنین تدهین کردن ناخنهای پا را بهر روغنی که باشد دفعه رفع خستگی می کند خصوصا اگر خستگی بسبب پیاده روی باشد و اگر فصل تابستان باشد پاها را در آب سرد گذاشتن و در زمستان در آب گرم نیز مفید است

باب بیست و پنجم در تدبیر حفظ کردن موی از سفید شدن است

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵۲

باید دانست که بهترین تدابیر حذر کردن از چیزهای بارد و رطب است از فواکه و خیار و امثال آنها و بعضی از بقول که در آنها رطوبت زاید باشد خاصه کاهو اما ادویه که در این باب نافع است باتفاق کل حکما هلیله جات و آمله و سیر و پیاز و زنجبیل و دارچینی و بادیان و زیره و میخک و زرچوبه و زرنباد و معاجیتی که در آنها لعل و یاقوت و مشک و جدوار و عنبر و ورق طلا و نقره و پازهر حیوانی باشد چنانچه در قرآباد یتیات مذکور است صفت روغنی که طلا نمودن آن مانع از سفید شدن موی شود بگیرند سیاه دانه و سعد و میخک از هریک هفت مثقال کوبیده و

جوشانیده و صاف کنند پس با چهل مثقال روغن زیتون یا روغن پنبه دانه بجوشانند تا آب آن تمام شود و روغن بماند پس در بن موی طلا کنند و طلا نمودن روغن قسط نیز همین خاصیت دهد

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵۳

صفتش این است که بگیرند قسط تلخ چهل مثقال و سلیخه سه مثقال کوبیده و یک شبانه روز خیسانیده و و با نود مثقال روغن کنجد بآتش ملایم جوشانیده تا آب آن برود و روغن بماند پس صاف نموده استعمال نمایند صفت خضابی که موی را سیاه کند بگیرند حنا و میخک و خبث الحدید از هریک جزوی و وسمه ده جزو همه را با آب نارنج یا لیمو گرم کرده بسرشند و بکار برند و اگر از این خضاب خشکی و شکستگی در موی پدید آید بروغن بنفشه بادام چرب باید کردن اما اگر موی سفید را خواسته باشند که سفیدتر شود برف وارد برنج را مخلوط کرده شب ببندند و صبح با آب عسل بشویند یا با آب نارنج با برف هر صبح بشویند موی را سفیدتر کند و اله اعلم

باب بیست و ششم در تدبیر رفع و ستردن موی است بی نوره خاصه در بدنی که بسیار نازک بود و بیم آن باشد که از نوره زخم می شود

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵۴

بگیرند زرنیخ و آهک آب ندیده مساوی هم و خمس مجموع صبر و با آب بجوشانند و در آفتاب بنهند تا بته نشیند و صاف نموده دیگر باره زرنیخ و آهک در آن کنند و بجوشانند و در آفتاب نهند و مکرر چنین کنند تا اینکه اگر پر مرغ بدو فرو برند در حال موی آن برود پس قدری روغن گاو یا غیره در آن ریزند و بآتش نرم ملایم بجوشانند تا آب آن برود و

روغن بمانـد پس بکار برنـد که موی را ببرد و هیچ نسوزاند و اگر بوی آهك را خواهند دفع کنند بگیرند آب برك شـفتالو با سرکه و گلاب بمالنـد و لحظه صبر کننـد آنگـاه بشوینـد یـا آنکه آب ریحان با آب برك بیـد و آب برك مو و قلیلی میخك داخل کرده بمالند نیکو بود و اگر خواهند بکلی منع موی کنند که نروید یا اگر بروید رقیق بود

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵۵

بگیرنـد آب برك شاهدانه و تخم مورچه و شوکران و سـرکه بهم آمیخته بر هر موضع که خواهند موی بیرون نیاید طلا کنند و اگر بیرون بیایـد طلا کننـد و اگر بیرون بیایـد رقیق بود و بمـداومت کردن برطرف شود و اگر موی داشـته باشـد بکننـد و بتخم مورچه و ترياك و سـرکه و گلاب طلا کنند نیکو بود و همچنین مالیدن خون خفاش و خون کثیف دریائی و خون خارپشت و زهره هدهد و خاکستر پوست مار و صدف سوخته با سرکه یا با آب برك شاهدانه بغائت مفید است و بجهت موی زیر بغل پیه دراج را حکما آزموده اند اول موی را بکنند پس آن پیه را بدفعات بمالند ضعیف می شود تا برطرف شود

باب بیست و هفتم در کند بغل و در کند عرق است

پس هرگاه بسبب امتلاء و تعفن اخلاط باشد علاجش

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵۶

تنقیه و اسـتفراغ است و هرگاه بسـبب دیگر باشـد از قبیل تاخیر غسل جنابت و حیض و زیادتی حرارت قلب و جگر و غـذاهای بـدبو و خوردن حلبه و پیـاز بسـیار ترك آنها بایـد کردن و هر صـبح چیزهایی که بوی عرق را خوش کنـد خوردن ماننـد عرق بیدمشك و آب لیمو و قند

یـا آلو بخـارا را خیسانیـده با گل سـرخ و گلاب یا عرق دارچینی و عرق فرنجمشک با قنـد و طلا کردن صـندل و سـعد با آب برک مورد تازه یا با گلاب سائیـده و یا پوست نارنـج بگلاب سائیده یا آب برک سیب یا آب به یا شـیرین بیان و حمام متواتر رفتن و شستشوی کردن و پیراهن را با عرق بیدمشک و گلاب تر کردن مفید است

صفت- قرصـی که گنـد بغل را زایل کنـد بگیرنـد صـندل سـرخ و سـلیخه و گل سـرشوی و گل سـرخ و زاج سـفید سوخته از هریک یک مثقال کوفته و با

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵۷

گلاب بسرشند و قرصها ساخته در سایه خشک کنند و در وقت حاجت با گلاب سائیده بمالند

باب بیست و هشتم در رفع لاغری مفرط است

اولا باید دانست که سبب لاغری چیست تا رفع آن توان کردن مثلا اگر سبب لاغری غذائی بود که از وی خون رقیق تولد کند غذای مخالف آن باید خورد و اگر بسـبب ضـعف قوه هاضـمه بود تقویت آن باید کردن بمعجون سفر جلی چنانکه قبل از این مذکور شد و اگر سبب ضعف قوه جاذبه و یا بسبب ضیق مسامات بدن بود ریاضت معتدل و مالش معتدل در حمام باید فرمود تا عرق بیاید و اگر بسبب فساد خون باشد تدبیر موافق باید کرد و خونرا بخوردن اطریفل کشنیزی و مانند آن صاف باید نمود

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵۸

صفت اطریفل گشـنیزی- بگیرنـد پوست هلیله زرد و پوست بلیله و پوست هلیله کابلی و امله مقشـر و هلیله سـیاه و تخم کشـنیز بوداده از هریک پنج مثقال مجموع را نرم کوبیده با کره گاو چرب نموده و

با هشتاد مثقال عسل مخلوط نموده و یک اربعین در همان جایگاهش گذاشته تا مزاج گیرد و قدر شربت آن سه مثقال است و اگر سبب لاغری عظم و بزرگی سپرز باشد یا گرم که در امعاء بهم رسیده باشد علاجش در کتب مطوله مذکور است و باید دانست که بهترین تدابیر در رفع لاغری بعد از رفع امورات نفسانی استعمال عطرهای موافق و خوردن غذاهائی که از آنها خون صالح تولد می شود از قبیل گوشت بره بریان کرده و حلیم و نخوداب و گوشت کبک و گوشت مرغ خانگی و گوشت بزغاله شیر مست یا کباب بره و دوغ تازه است خاصه نان و انگور سفید و مغز بادام تازه و مغز پسته و زرده تخم

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۵۹

مرغ صفت معجونی که هر صبح خوردن آن شخص را فربه و رنگ بشره را نیکو گرداند و قوه باه را زیاد کند بگیرند مغز بادام و مغز فندق و مغز پسته و حبه الخضرا و جلغوزه مساوی هم همه را کوفته و با عسل سرشته فندق ها سازند و هر صبح پنج عدد یا هفت عدد بخورند و از پس آن بقدر چهل مثقال شراب کهنه غلیظ بنوشند خاصه کسی که بسن شیخوخیت باشد یا عادت بشراب خوردن داشته باشد

صفت روغنی- که مالیدن آن بر بدن بدن را فربه کند و مجرب است بگیرند کرم خراطین یکمن و برک انجره با شاخهای ریزه آنکه در مازندران کزنا گویند دو من و در نه من آب بپزند تا مهرا شود و ثلث آب بماند که سه من باشد پس آن را صاف کنند و

پیاز نرگس نیم کوفته ده سیر و تخم انجره هشت سیر و زفت دو سیر داخل همان آب کرده و با یکمن شیر

الاغ چندان بجوشانند که یکمن شود و آن را صاف نمایند و هفت سیر روغن کنجد در آن ریخته و بآتش ملایم و نرم بجوشانند تا آب آن برود و روغن بماند پس از آن بر هر عضو یا بر تمام بدن در مکان گرم خاصه در حمام بمالند بدن را فربه می کند بعون اله

باب بیست و نهم در بیان احتیاط کردن از زهرها و علاج کلی آنها است

اولا- بباید دانست کسی را که در این باب اندیشه و احتیاط است لازم است اجتناب نمودن از خوردن طعامهائی که طعم آنها قوی باشد مثل طعامی که بسیار ترش یا بسیار شیرین یا بسیار شور باشد و باید در محلی که توهم این معنی است در وقت شدت گرسنگی در غذا خوردن و آب نوشیدن بسیار ملاحظه کنند مبادا از شدت تشنگی و گرسنگی طعم آب و غذا را ملتفت

نشوند و باید هر روز بر سبیل احتیاط قدر قلیلی از معجون مشرود یطوس و یا تریاق الطین و یا تریاق اربعه و مانند آن بخورند تا از اثر همه زهرها ایمن باشند و اگر کسانی باشند که تحصیل این تریاقها ممکن ایشان نشود هر روز صبح بقدر گردوئی کره گاو یا روغن با یک مثقال تخم شلغم بخورند از مضرت همه زهرها ایمن شوند چنانکه نقل کرده اند از روفس حکیم که یکی از سلاطین را با سلطان دیگر مخاصمه بود و بعلت بسیاری مارهای گزنده در یکی از منازل عبور لشگر متعذر بود حکیم مزبور عسگر و

سپاه سلطان را مامور بخوردن همین روغن و تخم شلغم نمود زهر مارها بآنها اثر ننمود و از آن منزل بسلامت عبور نمودند

بدانکه بهترین معالجات در باب کسی که ادویه سمی خورده باشد آنست که در حال قی کند پیش از آنکه قوت زهر در بدن پراکنده شود و بقلب رسد

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۶۲

به آب نیم گرم و خوردن روغن چندانکه تواند و اگر آب شبیت یا روغن آمیخته شود بهتر بود و چون قی تمام شود شیر تازه خورند تا مضرت زهر برطرف شود و اگر تخم انجره که کزنا گویند یا روغن گاو بخورند زهر را بقی یا باسهال دفع کند و اگر اضطراب شدید بهم رسد حقنه از شیر با روغن باید کرد و نباید گذاشت که خواب رود و آرام گیرد تا مطمئن از دفع زهر نشوند و هرگاه معلوم شود که زهر از جمله زهرهای حار است علاج آن باید بعد از قی به آب سرد و گلاب و کافور و آب گشنیز سبز و لعاب اسفرزه سرد کرده بخورند و بر اعضای رئیسه مثل قلب و کبد و دماغ ضمادهای سرد نبند از قبیل ظحلب یا کافور یا اسفرزه یا آرد جو و مانند آن و دوغ گاو سرد کرده بسیار نافع است و اگر از جمله زهرهائی است که باعث تخدیر و بی حسی بدن شود علاجش تریاق فاروق

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۶۳

و شراب کهنه با سیر آمیخته یا شراب با تخم نارنج یا با تخم بالنک کوفته است و اگر از جمله زهرهائی است که صورت نوعیه آن ضد صورت نوعیه انسان است علاج آن

بمثر و دیطوس و تریاقات و پازهر کننـد و شـراب کهنه خورند و خانه را خوشـبوی کنند و هرگاه معلوم گردد که از کدام زهر خورده است علاج خاصه آن زهر را کنند چنانکه ذکر خواهد شد

باب سیم در علاج سمومات خاصه است

اشاره

بدانکه اگر کسی سم الفار خورده باشد که آن را بفارسی مرک موش گویند

علاجش آنست که اول بایـد بقانونی که در باب علاج زهرها دد باب بیست و نهم ذکر کردیم رفتار کند و قی کردن بچیزهای چرب و شیرین و هر ساعت آب عسل گرم کرده دادن و دو مثقال مرمکی در شراب

کهنه حل کردن و خوردن و نیم مثقال جدوار نرم سائیده با شـراب نوشـیدن و اگر احشاء و امعاء را مضـرتی رسـیده باشد حقنه های تریاقی کنند از قبیل شـیر و روغن و غذاهای چرب خورند و اگر سـحج و پیچش در شـکم بمهرسد علاج آن بلعاب ریشه خطمی خبازی و بهدانه و بارتنک و تخم ریحان و روغن بادام کنند و تقویت قلب بمعجونات مفرحه قلبیه باید کرد و اگر زیبق و شـنجرف خورده باشـد علاجش مثل علاج سم الفار است و غـذای بسـیار چرب بایـد خوردن و بهترین علاج زیبق آنست که یک مثقال مغز نارجیل دریائی را با نود مثقال شـراب گرم کرده بخورند ظاهرا اسـتعمال یک مثقال نارجیل بحری در مشروبات کلیه از سـهو کاتب نسـخه اول باشـد زیرا که قدر شـربت نارجیل بحری یک قیراط الی دو قیراط صاحب مخزن ضـبط نموده و خودش از سموم قتاله است و خصوصا توضیح کرده که در علاج سموم مقدار

چهار حبه الی پنج حبه

آن را سوده بمسموم بخورانند مادامیکه سم در بدن باقی است قی می آورد و اخلاط فاسد سمیه را دفع می کند. و اگر زرنیخ و آهک خورده باشد علاجش آنست که آب گرم یا روغن بخورند و قی کنند یا با شیر به قدری که ممکن است پس از آن حقنه بالعاب خبازی و خطمی با روغن باید کرد و اگر در حقنه اندکی جدوار داخل کنند عظیم موافق آید و قادر هر حیوانی با شیر خوردن بسی نافع است و انجیر با شیر پخته نیز چنین است و تقویت قلب بشراب یا بمعاجین قلبیه باید کرد و غذاهای چرب و نرم و ملایم از قبیل حریره نشاسته با شیرینی مانند آن بخورند و اگر زنجار خورده باشد و از خوردن وی لرز شدید پدید آید علاجش همچون علاج زرنیخ است که ذکر شد مگر اینکه در اینجا شیرینی بسیار باید داد و در لعابهای حقنه جدوار نکنند و ترشی اینجا

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۶۶

جایز نیست و در زرنیخ خورده بعد از دو شبانه روز عیبی ندارد و اگر زاج و شب خورده باشند

علاجش آن است که ماء الشعیر با روغن بادام خورند یا شیر الاغ با قرص طباشیر ملین خورند یا کره با شکر خورند یا شربت بنفشه با آب سرد ناشتا خورند و اگر خوردن زاج و شب بعد از حمام و جماع واقع شود منجر باستسقا خواهد شد و اگر تریاک خورده باشند علاجش در اول قی کردن است بروغن و آب نیم گرم یا شیر یا بماء العسل یا حلتیث و پس از قی کردن مشر؟؟؟ ود یطوس یا تریاق اربعه

خورند و تخم نارنج یا ترنج مقدار یک مثقال کوفته با شراب کهنه بسیار مفید است و همچنین فلفل و سیر و مغز گردو مساوی هم کوفته با قدری کره یا روغن گاو مخلوط کرده بخورند و فلفل و دارچینی و جند بید ستر و زعفران بتنهائی خوردن هریک با شراب کهنه بسیار نافع است و وقتی

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۶۷

یکی از اولاد اکابر تریاک خورده بود بخوردن فلفل با نفت معالجه نمودم و مفید افتاد و مالیدن نفت و روغن قسط بر بدن و بوئیدن جند بید ستر و عطسه آوردن و در جای گرم نشانیدن و نگذاشتن که بخواب رود نیز مفید است و غذاهای شیرین و چرب باید خوردن و اگر جوز ماثل خورده باشد علاجش در اول قی کردن است به چیزهائی که در تریاک خورده مذکور شد و بعد از آن خوردن عاقر قرحا و فلفل و دارچینی و تخم نارنج و تخم انجره که کزنه گویند و جند بید ستر و سیر مفید است و پای در آب گرم نهادن و بدن را گرم کردن بخرقهای گرم و روغن گردو و روغن قسط و نفت گرم کرده مالیدن سودمند است و غذای چرب و شیرین باید خوردن و اگر بذر البنج یا یبروح الصنم خورده باشد علاجش همچون علاج جوز ماثل و تریاک است و اگر شوگران خورده باشد علاجش

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۶۸

در اول حقنه کردن است بشراب صرف و بشیر گاو و پس از آن شراب با فلفل یا سیر یا تخم انجره خوردن و یا نعناع و جند بید ستر و حلتیث و حب

الغار و ترياق اربعه نافع بود و پوست درخت توت و برک انجره یا شیر یا با روغن پخته بر معده و شکم ضماد نمایند بسی مفید است و غذا بنحوی است که در تریاك خورده مذکور شد اما حیوانات سمی گزنده که سم آنها را اثر تام در بدن است از جمله آنها مار است

بدانکه حکما اختلاف کرده اند که آیا سم مار گرم است یا سرد حکمای هند را اعتقاد آن است که زهر مار مطلقا سرد است بعلت تخدیر و خواب آوردن و قلت درد کردن و بچیزهای بسیار گرم معالجه شدن و نزد حکمای یونان و اتباع ایشان آنست که زهر مار مطلق گرم است در غایت گرمی بعلت تولید حرارت و عفونت در بدن و سرعت نفوذ و احراق آن

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۶۹

علاجش آنست که اول بمحجمه زهر آن را بکشند پس از آن زلو بر آن محل افکنند تا تمام زهر کشیده شود و بعد از آن سیر خام بسیار کوفته با دوغ گاو یا سرکه طلا کرد و از بعضی حکمای دار المرز مذکور است که شیر خام با شراب خورانیدن بسیار مفید است و بی نیازکننده از همه علاجها است همچنین دو مثقال تخم بالنگ یا نارنج کوفته با شراب کهنه خوردن نیز چنین است و خوردن ترياق فاروق و ترياق اربعه و جدوار و پازهر معدنی و طلا کردن برک انجره و پیاز و سیر با شراب یا با سرکه و یا نفت نافع است و کلاغ و مرغ را شکم شکافته بر محل گزیده گذارند سودمند است و گویند شیر گاو زرد بافراط خوردن بسیار

نافع است و دیگر عقرب است

بدانکه عقرب سه نوع بود یکی ذنب بسر داشته راه رود و این نیز بانواع مختلف باشد و زهر او سرد

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۷۰

بود و نوع دیگر پردار بود و آن در شوشتر و حویزه بسیار باشد و زهر این مانند زهر نوع اول است و نوع سوم عقرب جراره بود که در رفتن دم خود را بر زمین کشد و حکمای هند زهر جمیع اقسام عقرب را گرم دانسته اند و حکمای یونان سرد دانسته اند و حق این است که فعل سموم بالخاصیه است نه بالطبیعه و چون چنین باشد استدلال کردن درست نیست چنانچه در شرح جوامع تفصیل آن ذکر شده و اله اعلم

علاجش آنست که در اول تدبیر جذب زهر باید کرد بمحجمه و مکیدن بسیار و هر لحظه آب از دهن در افکندن حجام که علاج نیکوئی است و پس از آن سیر با فلفل یا نمک یا تخم نارنج یا بالنک کوفته در سرکه حل کرده بمالند یا عرق شراب و سیر بمالند و خوردن عرق و شراب بعد از خوردن سیر خام بسیار مفید است و اگر بجای شراب نفت خورند و در حمام یا در آفتاب

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۷۱

نشینند تا عرق کنند و بعد از عرق باز قلیلی شراب یا نفت خورند سخت سودمند باشد و خوردن مثرودیطوس و تریاق اربعه و جدوار بسیار مفید است و گویند اگر شخص فندق همراه داشته باشد عقرب و رتیلا او را نگزند و مجرب است دیگر رتیلا است بدانکه جالینوس می گوید که رتیلا یازده قسم است و بدترین آنها سیاه گرد شکم

و کوچک دهان بود و بر پشت آن نقطهای سفید بود همچون ستاره و از گزیدن مطلق رتیلا درد دل و غثیان و صداع و رعشه پدید آید علاج آن را همچون علاج عقرب گزیده باید کرد از طلا کردن و جذب زهر نمودن و در حمام بردن و تریاق دادن و آب گرم با شوره طلا۔یه کردن و گویند آب دهن شخص روزه دار فورا درد را ساکن می کند خاصه که روزه دار حار المزاج هم باشد و گویند ضماد برک توت سیاه بجهت گزیدن رتیلا و سایر هوام بسیار مؤثر

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۷۲

و فورا دافع درد است دیگر زنبور است و آن چندین نوع است و بدترین همه آنها آنست که بر حیوانات زهردار و بزهر مرده نشسته باشد و از گزیدن جمله آنها درد صعب و آماس پدید آید و گاهی کعیر و شرا در همه تن حادث شود علاجش آب غوره یا سرکه بخاك چکانیدن و بر موضع گزیده مالیدن است و سیر کوفته بستن بر آن موضع هم مفید است و تخم بالنك کوفته با سرکه مخلوط نموده و گرم کرده ضماد نمایند فی الحال درد را ساکن می کند و مجرب است و موضع گزیده را در آب گرم لحظه نگاه داشتن و آنگاه با نمک و سرکه طلا کردن بسیار مفید است و گویند کسی که زبان خود را بدندان بگزد و محکم دارد اگر زنبور کوچك زرد او را بگزد اثر نگنند و مجرب است

علاج گزیدن سک دیوانه و گربه و شغال و گرک دیوانه

اولا باید که جراحت را نگذارند ملتئم و درست

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۷۳

شود تا چهل روز و بحجامت و زلو زهر آن را

بکشـند و زخم را فراخ کنند بداواهای تند و سوزنده و طلا و ضمادی که در علاج مار و عقرب گزیده مذکور شد بکار برند و مثرودیطوس و تریـاق اربعه بخوراننـد و سـیر کوفته بـا شـراب آمیخته خورنـد و اگر در روز اول یـا دوم محل زخم را داغ کنند بغایت نیکو بود و از آب ترسـیدن ایمن شود و اگر دموی مزاج باشـد فصد کردن بغایت مناسب است بشـرطی که نگذارند که نظر او بر آن خون افتـد خاصه اگر چنـد روز بر آن گذشـته باشد و بهر دو سه روز یک مرتبه مسـهل سودا باید داد و طبیعت را نرم و لین بایـد داشت و گاهگاهی حقنه از روغن زیتون و آب برک چغنـدر و شـکر سـرخ باید کرد و غذاهای لطیف ملین که در او سیر و پیاز باشـد بایـد داد و گوینـد اگر جگر همان سک را کباب کرده بخورند فی الفور رفع ناخوشـی می کند صـفت حب مسهل

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۷۴

بگیرنـد پوست حلیله کـابلی دو مثقـال و افتیمون یک مثقال نیم و نمک هنـدی نیم مثقال و بسـفایج یک مثقال و تربـد مجفف یک مثقال و غاریقون یک مثقال و نیم و خربق سـیاه دو مثقال جمله را نرم کوفته حب کننـد و قدر شـربت آن دو مثقال و باید دانست که تا یقین نکنند که زهر بیرون کشـیده نشده مسـهل نشاید خوردن و چون رو بخوبی آرد ریاضت معتدل باید کشیدن و اگر از آب ترسیده باشـد حیله بایـد کرد تـا آب داده شود خـاصه بـا شـراب ممزوج شود و لیکن بهمه حال دهان جراحت را گشاده باید

داشت بمرهمی که صفتش ذکر خواهد شد اگر یقین داشته باشد که سک دیوانه است اما طریقه امتحان که آیا سک دیوانه است یا نه بگیرند چیز خوردنی و بر جراحت نهند پس پیش مرغ اندازند اگر مرغ آن را نخورد و بازگردد یا بخورد و بمیرد آن سک دیوانه بوده است و همچنین پاره نان

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۷۵

بگیرند و بدان چرک و ریم زخم آلوده کنند و در پیش سک غیر دیوانه اندازند اگر سک بخورد بدانند دیوانه نبوده است و اگر نخورد دیوانه بوده است

مرهمی که زخم را نگذارد ملتئم شود بگیرند رفت نود مثقال جاو شیر بیست مثقال در سرکه حل کرده زفت را با وی بیامیزند و بکار برند و سیر و پیاز و تخم تره تیزک مساوی پخته مرهم ساخته بکار برند

پایان

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۷۶

لغات مشگله کتاب

لغت معنی

صدغین شقیقه ها

طلا کردن مالیدن

رادع مانع

دانک ۴ نخود

قفا پشت

منخر لوله بینی

عفص مازو گهگیری

تر طعام تر چلو

حقنه تنقیه

مضیئه روشن

رمد چشم درد

دوشاب شیره انگور

منقرح چرک دار

ساخه؟؟؟

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۷۷

لغت معنی

میعه یابسه صمغ خشک است

قسط ریشه است تلخ و شیرین دارد

شونیز؟؟؟ سیاه دانه است

حلتیث آتقوزه

روغن سوسن مراد روغن اریسا

حجامت یابس بادکش معروف است

جفت بلوط پوست بلوط

حب النیل تخم نیلوفر

حبه الخضراء میوه درخت سقز

جلغوزه بار درخت کاج

کعیر خارش

زحیر نوع اسهال

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۷۸

فهرست مندرجات کتاب برء الساعه

برء الساعه (بهبود آنی)، ص: ۸۱

[۱]

----

[۱] رازی، محمد بن زکریا - مترجم: شریف تنکابنی، احمد، برء الساعه (بهبود آنی)، ۱جلد، چاپخانه جاوید - اصفهان، چاپ: اول، ۱۳۳۳ ه.ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net

